

سنجش و بررسی میزان مشارکت شهروندان در امور شهری و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: شهر سنندج)

جمال محمدی^۱ کیوان باقری^۲

دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه اصفهان. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه اصفهان، نوبسنده مسئول

سامان حیدری^۳

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی.

(تاریخ دریافت: بهمن ۹۲، تاریخ پذیرش: اردیبهشت ۹۲)

چکیده:

از نیمه دوم قرن بیستم مفهوم مشارکت با نگرشی نو، به موضوع کلیدی در برنامه‌های توسعه، به خصوص برنامه‌های توسعه شهری بدل شده است. برای تقویت و گسترش امر مشارکت مردم در برنامه‌ریزی، شناخت عوامل مؤثر بر این امر ضروری است. هدف از انجام این تحقیق، بررسی میزان مشارکت شهروندان در امور شهری و عوامل مؤثر بر آن در بین شهروندان شهر سنندج است. روش تحقیق پیمایشی- توصیفی است. جامعه آماری پژوهش را کلیه ساکنان شهر سنندج تشکیل داده و حجم نمونه ۳۸۳ نفر است که به شیوه نمونه‌گیری متناسب با حجم در مناطق سه‌گانه شهر سنندج انتخاب شده‌اند. روایی و پایایی پرسشنامه نیز با استفاده از روش اعتبار صوری و ضریب آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفته است. به منظور تحلیل داده‌ها نیز از آزمون‌های t ، توکی (Tukey)، پیرسون، تحلیل رگرسیونی و تحلیل مسیر جهت شناسایی اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها استفاده گردید. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که میزان مشارکت مردم در امور شهری با میانگین $۲/۶۷$ پایین‌تر از حد متوسط (در بازه ۰-۵) قرار دارد. هم‌چنین نتایج آمار استنباطی و آزمون فرضیات، نشان داد که بین متغیرهای میزان رضایت از عملکرد شهرداری، پایگاه اقتصادی- اجتماعی، تعلق به محله زندگی، استفاده از رسانه‌های جمعی، آگاهی از نحوه تهیه و اجرای طرح‌های توسعه شهری، اعتماد به مدیران شهری، عضویت در انجمن‌های محله‌ای، سن و جنس رابطه معناداری وجود دارد. استفاده از مدل تحلیل مسیر نشان می‌دهد که مقدار ضریب تعیین ۶۲ درصد از مجموعه تغییرات متغیر وابسته توسط مدل تحلیلی پژوهش را تعیین می‌کند که در آن مولفه رضایت از عملکرد شهرداری با ضریب $۰/۴۰۱$ تأثیرگذارترین و مؤلفه‌های استفاده از رسانه‌های جمعی، آگاهی از نحوه تهیه و اجرای طرح‌های توسعه شهری، عضویت در انجمن‌های محله‌ای، تعلق به محله زندگی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی افراد، اعتماد به مدیران شهری، جنس و سن در رتبه‌های بعدی اثرگذاری قرار دارند.

واژگان کلیدی: مشارکت، مدیریت شهری، شهروندی، شهر سنندج.

۱. آدرس الکترونیکی: mohammadi@geo.ui.ac.ir

۲. آدرس الکترونیکی: k.bagheri۶۸@gmail.com

۳. آدرس الکترونیکی: saman_heydari۲۰۱۳@yahoo.com

مقدمه

افزایش سریع جمعیت توأم با گسترش شهرنشینی و رشد و توسعه روزافزون شهرها، به ویژه از دهه ۱۹۵۰ میلادی مشکلات فراوانی در کشورهای مختلف به ویژه کشورهای جهان سوم ایجاد کرده است که این خود موجب گشته سیستم مدیریتی شهر با چالش‌ها و تنگنانهایی مواجه گردد (زیاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۰). در حالی که توسعه و تغییرات شهری و شهرنشینی از مهم‌ترین پدیده‌های دوران اخیر به شمار می‌آید (پوراحمد، ۱۳۸۸: ۲۹). بررسی رشد سریع شهری در کشورهای رو به توسعه و از جمله بررسی جمعیت کشور ایران نشان می‌دهد که از ابتدای دهه ۴۰، جمعیت شهری رشد قابل توجهی داشته است، به طوری که در حال حاضر رقمی بیش از ۶۸ درصد جمعیت کشور ما را جمعیت شهرنشین تشکیل می‌دهد. اما آنچه اهمیت اساسی دارد این است که این شهرنشینی همراه با توسعه نبوده است (صالحی امیری و محمد، ۱۳۸۹: ۲۲) و مشکلات اجتماعی، اقتصادی و فیزیکی فراوانی را پدید آورده است، از قبیل افزایش فقر در شهرها، مشکلات مسکن و نارسایی خدمات شهری، کمبود آب آشامیدنی، ایجاد زاغه‌ها و مساکن غیرقانونی، بزهکاری اجتماعی، آلودگی هوا و محیط زیست و کاهش فضای سبز شهری و ... (پوراحمد، ۱۳۸۸: ۲۹). در چنین شرایطی برنامه‌ریزان شهری نیز نسبت به این تغییرات بی‌تفاوت نبوده‌اند و عرصه‌های مختلفی از مدیریت شهری را به وجود آورده‌اند. مدیریت شهری، گروه‌ها را در شبکه‌های مختلفی که منافع آنها حکم می‌کند، قرار می‌دهد و توجه به منافع آنها در جهت‌دهی ساختار شهری مؤثر می‌افتد. از این رو، مدیریت شهری به بررسی مسائل فضایی می‌پردازد که شهروندان با آن درگیر هستند (توئینگ، ۱۹۷۰: ۳۸۷). بنابراین، برنامه مدیریت شهری وظایف حکومت‌های محلی شهری را منحصر به امور کالبدی نمی‌داند و وظیفه مدیران شهری را در اداره توأم امور کالبدی و اجتماعی شهرها می‌داند و معتقد است که مدیران باید چالش‌های مهم شهرهای امروز را بشناسند و برای غلبه بر آنها سیاست‌ها و اقدامات مناسبی را دنبال کنند (سلطان پناه، ۱۳۸۸: ۱۰۴). از طرف دیگر اگر برنامه‌ریزان مدیران شهری خواستار اجرا و تحقق برنامه‌های خود هستند باید آنها را با محیط اجتماعی هماهنگ سازند و چنین امری تنها با مشارکت مردم به دلیل شناخت ژرف آنها از نیازها، خواسته‌ها و محیط اجتماعی خود امکان‌پذیر است (علوی تبار، ۱۳۷۸: ۱۲). مشارکت، فرایند درگیر شدن کلیه گروه‌های مردم در همه مراحل توسعه، جهت ظهور توانایی‌ها و

قابلیت‌ها و در نتیجه رشد و تعالی مادی و معنوی آنها است و به همین خاطر شاید در سال‌های اخیر همواره در محافل علمی و سیاسی کشور، موضوع مشارکت شهروندان در امور شهرها، در صدر گفت‌وگوهای اجتماعی و سیاسی جامعه قرار داشته است و همه از آن به عنوان عنصری مهم در جهت رسیدن به دموکراسی و توسعه پایدار سخن رانده‌اند (عباس زاده، ۱۳۸۷: ۴۴). بنابراین، می‌توان گفت که مشارکت مردم در روند تصمیم‌گیری شهری، یکی از عناصر اصلی حکومت مردمی است و افزایش مشارکت مردم در امور شهری، می‌تواند در ایجاد تعادل شهری، نقش ارزنده‌ای ایفا کند (تقوایی، ۱۳۸۹: ۲۱). بنابراین برای پاسخگویی به نیازهای توسعه شهری و توجه به سهم آیندگان، به ناچار باید اداره امور زندگی شهری را بر مبنای الگوی مشارکت هدف‌مند، آگاهانه و داوطلبانه شهروندان برنامه‌ریزی کنیم. جلب مشارکت شهروندان در اداره شهر از نظر اجتماعی باعث افزایش همکاری‌های اجتماعی می‌شود که پایه‌های جامعه مدنی را تقویت می‌کند. از طرف دیگر عدم مشارکت شهروندان در اداره امور شهر نیز پیامدهای منفی، هم برای مدیریت شهری و هم برای ساکنین شهر ایجاد خواهد کرد که از جمله می‌توان به افزایش محدودیت‌ها و مشکلات مدیریت شهری به دلیل افزایش هزینه‌ها و صرف انرژی زیاد و کاهش علقه عاطفی شهروندان به محل زندگی خود اشاره کرد. از آنجایی که مشارکت مردمی در فرایند مدیریت و اداره امور شهری در شهر سنندج با چالشی جدی رو به رو است و عدم شرکت بخش مردمی در امور مربوط به مدیریت شهر و نیز عدم علاقه مردم برای مشارکت در اموری که مربوط به خودشان است، مدیریت شهری را با مشکل بزرگی مواجه می‌سازد. لذا این تحقیق به دنبال شناسایی آن دسته از عواملی است که با مشارکت شهروندان و جلب مشارکت آنها در عرصه عمل در ارتباط است تا با شناخت این عوامل و تأکید بر روی آنها، بتوانیم از مشارکت شهروندان در امور شهر که بی‌گمان حیاتی‌ترین عامل در زمینه توسعه شهری است بهره ببریم.

اهمیت و ضرورت پژوهش

در سال‌های اخیر به ویژه از اوایل دهه ۱۹۷۰، رویکردهای مشارکتی به توسعه، مورد توجه فزاینده‌ای قرار گرفته است (حسن نژاد و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۷). اعتماد و مشارکت مردم

در برنامه‌های توسعه، پیش شرط عمده و کلیدی برای موجودیت هر جامعه‌ای محسوب می‌شود و هم‌چنین تسهیل‌کننده مبادلات در بستر و فضای اجتماعی است. ارزش و اهمیت روزافزون نقش مردم در اداره جوامع و رشد نظام مردم‌سالاری، موجب توجه به ایده مشارکت مردم در امور شده است. تجربیات حاصل از توسعه مبتنی بر برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که عدم مشارکت مردم در این فرایندها زیانبار بوده، از این رو جوامع را به سوی امر مشارکت عمومی سوق داده است (زاهد زاهدانی، ۱۳۹۱: ۸۹). امروزه در سطح جهانی رویکرد مشارکت محوری در برنامه‌های مدیریت شهری تقویت شده است. اهمیت نقش مردم در اداره امور زندگی اجتماعی، درس گرفتن از تجارب و روند توسعه شهری در دهه‌های گذشته، لزوم انطباق طرح‌ها و الگوهای برنامه‌ریزی با نیازها و خواست‌های مردم، عدم توانایی مالی دولت‌ها در نوسازی و بهسازی امور، پیچیدگی فزاینده زندگی شهری و تنوع فرهنگی شهروندان در تقویت رویکرد مشارکت محوری مؤثر بوده‌اند (شیانی، ۱۳۸۴: ۱۶۸). مشارکت شهروندان، برنامه‌های شهری را مشروعیت بخشیده و آن را نهادی می‌سازد (قلی‌پور، ۱۳۸۰: ۱۴۵). برای پاسخگویی به نیازهای توسعه شهری و توجه به سهم آیندگان، به ناچار باید اداره امور زندگی شهری را بر مبنای الگوی مشارکت هدف‌مند، آگاهانه و داوطلبانه شهروندان برنامه‌ریزی کنیم. برخلاف بسیاری از نقاط جهان که شهرداری‌ها عملاً بازوی اجرایی دولت در سطح ملی محسوب می‌شوند و وظایف و اختیارات بسیار متفاوتی دارند، اختیارات شهرداری‌ها و حوزه فعالیت آنها در ایران در بعضی حوزه‌ها نسبت به دیگر کشورها محدودتر بوده و در بعضی حوزه‌ها بسیار گسترده‌تر است. شاید بتوان گفت که یکی از وجوه تمایز شهرداری‌ها در ایران نسبت به سایر کشورها، کاهش وابستگی مالی آنها به دولت است. در حالی که آمار جهانی نشان می‌دهد که در اکثر کشورها بخش عمده درآمد شهرداری‌ها را دولت تأمین می‌کند، در ایران شهرداری‌ها، تا حدود زیادی به درآمدهای خود وابسته‌اند (امانی، ۱۳۸۹: ۱۰۵). این امر لزوم و اهمیت مشارکت شهروندان را در امر مدیریت و برنامه‌ریزی شهری و شهرداری را دوچندان می‌سازد.

پیشینه تحقیق

ربانی و همکاران (۱۳۸۶)، در تحقیقی با عنوان بررسی تأثیر رفاه اقتصادی و اجتماعی بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری (مورد مطالعه شهر اصفهان)، به این نتیجه دست یافتند که مناسب بودن منطقه سکونتی، احساس محرومیت نسبی، اعتماد نهادی، رضایت مندی بهداشتی و رضایت مندی اجتماعی بر میزان مشارکت مؤثر بوده‌اند.

زیاری و همکاران (۱۳۸۸)، در تحقیقی با عنوان بررسی مشارکت شهروندی و نقش آن در مدیریت شهری شهرهای کوچک (نمونه موردی: شهرهای گلهدار، ورزنه و هیدج)، به بررسی ابعاد ذهنی و عینی مشارکت شهروندان در مدیریت شهرهای مورد مطالعه پرداخته و در پایان به این نتیجه رسیده‌اند که مشارکت شهروندان در بُعد ذهنی بالا اما در بُعد عینی در سطح پایینی قرار دارد.

زاهد زاهدانی و زهری بیدگلی (۱۳۹۱)، در تحقیقی با عنوان مدیریت شهری و تبیین مشارکت اجتماعی شهروندان در شهرداری با استفاده از روش کتابخانه‌ای - اسنادی و تحلیل داده‌های ثانویه به جهت تبیین مشارکت شهروندان در شهرداری، مدل‌های شهری در نقاط مختلف جهان را مورد مطالعه قرار داده است و پیش‌نیازهای لازم جهت تبدیل شهرداری از یک نهاد صرفاً خدماتی به یک نهاد اجتماعی را ارائه داده است.

هاشمیان و همکاران (۱۳۹۱)، در مقاله خود با عنوان عوامل مؤثر بر میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهر مشهد به این نتیجه رسیدند که مشارکت شهروندان در امور شهر مشهد تحت تأثیر عواملی مانند اعتماد اجتماعی، شبکه روابط اجتماعی، سن، عضویت انجمنی، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، رضایت از عملکرد شهرداری قرار دارد و در صورتی که شهرداری بتواند میزان رضایت شهروندان از خود را افزایش دهد و نگرش مثبتی در آنان ایجاد کند، میزان مشارکت شهروندان افزایش خواهد یافت.

دوچرتی و همکاران (۲۰۰۱)، در تحقیقی با عنوان فرهنگ مدنی، جامعه و مشارکت شهروندان در محله‌های متضاد به این نتیجه رسیدند که فرهنگ مدنی، نهادهای سیاسی، سیاست‌های عمومی و آموزش در مشارکت شهروندان مؤثر است.

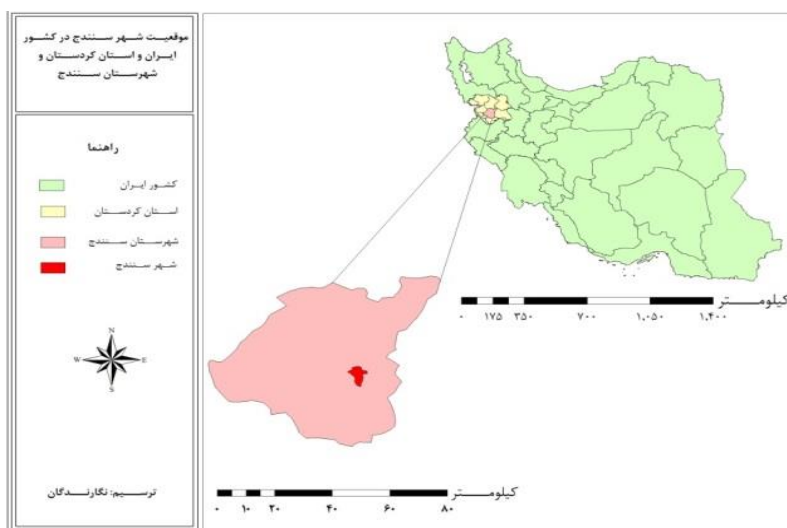
اوهمر (۲۰۰۷)، در تحقیقی با عنوان مشارکت شهروندان در سازمان‌های محله و ارتباط آن با خودکارآمدی، اثربخشی جمعی، حس اجتماعی، به این نتیجه رسید که مشارکت روزانه اعضای سازمان‌ها با یکدیگر باعث افزایش خودکارآمدی، اثربخشی و حس اجتماعی می‌شود.

مارشال (۲۰۰۷)، در پژوهش خود تحت عنوان مشارکت شهروندی و بافت همسایگی، نگاهی نو به تولید کالاهای عمومی محلی، مشارکت شهروندان را در قلمرو ارائه خدمات محلی بررسی نموده است و اهمیت استخدام رسمی، بافت محله و مشوق‌های لازم را در فهم چگونگی مشارکت مؤثر می‌داند.

مونتالوو (۲۰۰۸)، در مقاله خود با عنوان مشارکت شهروندی در مجمع شهری، مشارکت را وابسته به قانون‌مداری سیستم حکومتی، مشارکت در خدمات مذهبی، ویژگی‌های جمعیتی افراد و آموزش بالاتر می‌داند.

محدوده مورد مطالعه

سندج، مرکز استان کردستان با مساحت ۳۶۸۸/۶ هکتار در غرب ایران و در بخش جنوبی استان کردستان قرار دارد. مختصات جغرافیایی سندج در موقعیت ۳۵ درجه و ۱۷ دقیقه عرض شمالی و ۴۶ درجه و ۱۸ دقیقه تا ۴۷ درجه و ۱۶ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار دارد. ارتفاع آن از سطح دریا بین ۱۴۵۰ تا ۱۵۳۸ متر در نقاط مختلف شهر متغیر است. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ دارای ۳۶۲۱۵۹ نفر جمعیت است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۲).



شکل شماره ۱- موقعیت جغرافیایی شهر سنندج در کشور ایران

روش تحقیق

رویکرد حاکم بر این پژوهش پیمایشی - توصیفی با استفاده از ابزار پرسشنامه است. برای سنجش روایی پرسشنامه از روش روایی صوری و برای آزمودن پایایی پرسشنامه از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که این مقدار $0/78$ درصد برای متغیرهای مستقل و $0/84$ درصد برای متغیر وابسته محاسبه گردیده و بیانگر پایایی بالای پرسشنامه است. جامعه آماری پژوهش را کلیه شهروندان شهر سنندج تشکیل می‌دهد که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰، ۳۷۵۲۸۰ نفر هستند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران (حافظ نیا، ۱۳۸۷: ۱۱۷) تعیین و توزیع نمونه با روش نمونه‌گیری متناسب با حجم (pps) انجام گردید. در این روش نمونه‌گیری باید تعداد نمونه‌های هر زیرمجموعه متناسب با اعضای آن زیرمجموعه باشد. بر همین اساس تعداد نمونه‌ها در مناطق سه‌گانه شهر سنندج متناسب با حجم جمعیت توزیع و تعداد ۳۸۲ پرسشنامه (۱۲۲ پرسشنامه در منطقه ۱، ۱۲۴ پرسشنامه در منطقه ۲ و ۱۳۶ پرسشنامه در منطقه ۳) تکمیل گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش آمار توصیفی و آمار استنباطی (آزمون پیرسون، آزمون t، توکی (tukey)، آزمون رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر)، در قالب نرم افزار SPSS استفاده شده است.

جدول ۱- متغیرهای مستقل و وابسته و مقادیر ضریب آلفای کرونباخ برای آزمون میزان پایایی گویه‌های تحقیق

ضریب پایایی کل	ضریب پایایی هر شاخص	تعداد گویه‌ها	شاخص	متغیرهای مستقل
۰/۷۸	۰/۷۱	۱- میزان رضایت از سکونت در محله ۲- احساس مسئولیت در حفظ محیط شهری ۳- میزان تمایل به ترک محله زندگی در صورت فراهم بودن شرایط ۴- علاقه‌مند به دخالت در حل مسائل و مشکلات محله ۵- نگرش به شهر به مانند خانه خود	احساس تعلق به محله زندگی	
	۰/۸۷	۱- میزان درآمد ۲- نوع مالکیت مسکن ۳- تعداد اعضای خانواده ۴- شغل ۵- تحصیلات	پایگاه اقتصادی- اجتماعی	
	۰/۸۳	۱- مشارکت دادن مردم در طرح‌های عمرانی ۲- تکریم ارباب رجوع ۳- توجه به خواسته‌ها و نیازهای شهروندان از سوی مدیران ۴- ارائه خدمات از سوی شهرداری در قبال عوارض اخذ شده ۵- عملکرد شوراهای شهری در حل مشکلات مردم ۶- ساماندهی حمل و نقل شهری ۷- توجه به فضای گذران اوقات و فراغت ۸- توجه به فضاهای ورزشی ۹- پاکیزگی شهر توسط ماموران شهرداری ۱۰- کنترل ساخت و سازهای بی رویه ۱۱- ارائه برنامه‌های فرهنگی	رضایت از عملکرد شهرداری	

سنجش و بررسی میزان مشارکت شهروندان در امور شهری و عوامل مؤثر بر آن . . .

۰/۶۵	۱- میزان آگاهی از نحوه تهیه طرح‌های شهری ۲- میزان رضایت از طرح‌های توسعه شهری	آگاهی از نحوه تهیه و اجرای طرح‌های توسعه شهری
۰/۸۳	۱- قابل اعتماد بودن مسئولین شهری ۲- صداقت مسئولین شهری در کار خود ۳- انتقاد از مسئولین شهری بدون ترس و نگرانی ۴- آمادگی مسئولین شهری برای پذیرش انتقادات	اعتماد به مدیران شهری
۰/۸۱	۱- پیگیری اخبار شهر از طریق تلویزیون ۲- استفاده از اینترنت برای کسب اخبار در مورد شهر و وظایف مدیران شهری ۳- میزان مطالعه روزنامه طول هفته	استفاده از رسانه‌های گروهی
۰/۷۷	۱- فعالیت در سازمان‌های غیردولتی (NGO ها) ۲- فعالیت در سازمان‌های اجتماعی (گروه‌های صنفی، گروه‌های هنری و ...) ۳- شرکت در فعالیت‌های مذهبی ۴- شرکت در تصمیم‌گیری‌های محله	عضویت در انجمن‌های محله‌ای

۰/۸۴	<p>۱- پرداخت عوارض و بهای خدمات شهرداری ۲- کمک هزینه مستقیم به شهرداری ۳- تأمین مالی هزینه انجام طرح‌های شهرداری ۴- نظارت بر فعالیت‌های شهرداری ۵- انتقاد از اجرای قوانین شهری ۶- اطلاع رسانی مسائل و مشکلات شهر ۷- انتقاد از عملکرد مسئولین شهری ۸- بررسی و ارزیابی میزان خدمت رسانی از طرف مدیران شهری ۹- ارائه پیشنهاد و نظرات به مدیران شهری ۱۰- توجه به قوانین در ساخت و سازها ۱۱- رعایت قوانین در سطح شهر</p>	مشارکت	مؤثر وابسته
------	--	--------	-------------

سؤالات و فرضیات پژوهش

- پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به سؤالات زیر انجام شده است:
- میزان مشارکت شهروندان در امور شهری در شهر سنندج چقدر است و تحت تأثیر چه عواملی است؟ و سهم هر کدام از عوامل چقدر است؟
- با توجه به سؤالات فوق و جهت پاسخگویی به آنها فرضیات زیر مطرح شده است:
- به نظر می‌رسد میزان مشارکت شهروندان در مدیریت امور شهری در شهر سنندج در سطح پایینی قرار دارد.
 - به نظر می‌رسد بین میزان مشارکت شهروندان در مناطق مختلف شهری تفاوت معناداری وجود دارد.
 - به نظر می‌رسد بین احساس تعلق شهروندان به محله زندگی خود و میزان مشارکت آنها رابطه معناداری وجود دارد.
 - به نظر می‌رسد بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی شهروندان و میزان مشارکت آنها در امور شهر رابطه معنی‌داری وجود دارد.

- به نظر می‌رسد بین رضایت شهروندان از عملکرد شهرداری و میزان مشارکت آنها در امور شهری رابطه معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین آگاهی شهروندان از نحوه تهیه و اجرای طرح‌های توسعه شهری و مشارکت آنها در اداره امور شهری رابطه معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین آگاهی اجتماعی شهروندان و مشارکت آنان در اداره امور شهری رابطه معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین میزان اعتماد شهروندان به مدیران شهری و مشارکت آنها در اداره امور شهری رابطه معناداری وجود دارد.

مبانی نظری پژوهش

مشارکت و مدیریت شهری

مشارکت را می‌توان تلاش سازمان یافته‌ای دانست که افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن هدف‌های معین و مشخص که منجر به سهیم شدن در منابع قدرت می‌شود در آن شرکت می‌کنند (غفاری و ازکیا، ۱۳۸۰: ۱۸۸). به طور کلی مشارکت واقعی، یعنی توزیع قدرت که شهروندان فقیر را قادر می‌سازد تا خارج از فرایندهای لزوماً سیاسی و اقتصادی، به طور سنجیده‌ای در آینده‌شان فعال باشند (آرنستین، ۱۹۶۹: ۲۱۶).

مشارکت در مدیریت شهری یعنی ارتباط متقابل مردم با مدیریت شهر به صورتی که بتوانند در شهر تأثیرگذار باشند. دخالت مردم در امور شهری از اصیل‌ترین شیوه‌های رشد ملی به شمار می‌آید، تجربه سودمند و شوق انگیز محلی در اداره امور جمعی رغبت مردم را در پرداختن به کارهای بزرگ‌تر ملی تحریک می‌کند و آنان با تکیه بر نتایج سودمندی که از مشارکت محلی به دست می‌آورند، به مشارکت‌های بزرگ ملی رو می‌آورند (طوسی، ۱۳۷۳: ۷). مشارکت شهروندی از سال ۱۹۵۰، موضوع دامنه‌داری در حوزه برنامه‌ریزی بود و برنامه‌ریزان شهری تلاش نمودند که در تصمیم‌گیری‌های شهری، از نظر شهروندان مطلع شده و با همکاری آنان برنامه‌های خود را عملی نمایند. برنامه‌ریزان شهری معتقدند که مشارکت باعث می‌شود شهروندان نسبت به تصمیم‌گیری‌های صورت گرفته

در شهر مسئولیت پذیر گردند، یعنی حمایت‌های عمومی از تصمیم‌گیری‌های اتخاذی از سوی مسئولین، باعث می‌شود مسئولین امر به راحتی برنامه‌های خود را عملی نمایند (مالون، ۲۰۰۲: ۱۲۴).

اهمیت مشارکت در مدیریت شهری به اندازه‌ای است که بنابر اطلاعات بانک جهانی، یکی از چهار تغییر ساختاری در مدیریت شهری مربوط است به تقویت دولت‌ها و دیگر سرمایه‌گذاران برای شناسایی مشکلات شهری، از طریق مشورت‌هایی که نهادهای شریک در سطح محلی، منطقه‌ای و ملی را درگیر کند (راهنما و توانگر، ۱۳۸۵: ۹۲۲). روی هم رفته اینکه، نهادینه‌سازی روند توانمندسازی اجتماعات برای مشارکت، گامی به سوی توسعه پایدار، فراگیر و راستین است (صادقی و راهنما، ۱۳۹۲: ۱۷۲).

مدیریت مشارکتی

مدیریت مشارکتی در شهر، اصطلاح عمومی است که به طراحی تدابیری برای نقش دادن به شهروندان در یک زمینه یا منبع خاص اطلاق می‌شود (المودی، ۲۰۰۸: ۲۳). به عبارتی مدیریت مشارکتی فرایند نوینی از مدیریت شهری با تأکید بر نقش مردم و سازمان‌های غیردولتی (NGOها) و ارائه راهکارهای عملی سهیم شدن مردم در فرایند سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا در مدیریت شهری است. از مهم‌ترین مزیت‌های مدیریت مشارکتی، توسعه استراتژی‌هایی است که با ویژگی‌های خاص محیط و زمینه فرهنگی و تاریخی محله سازگار است (تیسوت، ۲۰۰۵: ۸۳). به این ترتیب مدیریت مشارکتی از تأکید یک سو به بر نقطه نظرات مدیران از طریق شناسایی اهمیت چشم اندازه‌ها، دانش و ارزش‌های محلی در ارتباط با مسائل پیچیده شهر جلوگیری می‌کند (لن، ۲۰۰۱: ۱۴۷). روش مدیریت مشارکتی در مقایسه با روش‌های سنتی اهداف متعالی‌تری دارد و به تعدیل نقش مدیران و مسئولان شهری و افزایش مشارکت مردمی و شهروندان می‌انجامد. جدول زیر مقایسه روش‌های سنتی و مشارکتی در مدیریت شهری را نشان می‌دهد:

جدول ۲: مقایسه روش‌های سنتی و مشارکتی در مدیریت شهری

روش مدیریت شهری	سنتی	مشارکتی
-----------------	------	---------

سنجش و بررسی میزان مشارکت شهروندان در امور شهری و عوامل مؤثر بر آن . . .

هدف اصلی	حفظ نظم عمومی، تأمین خدمات	عدالت اجتماعی و گسترش شهروندی
نقش شهروندان	تعبه- رأی دهنده	مشارکت کننده
نقش مسئولان شهری	قانون گذار- متولی	مشارکت کننده
نوع ارتباط بین مسئولان و مدیران شهری	قهری - نمایندگی	همکاری
تصمیم گیری	فرایندهای تکنیکی	فرایندهای سیاسی و تکنیکی
مشارکت افراد دارای وضعیت نامساعد	عدم مشارکت شهروند	تشویق مشارکت شهروند مخصوصاً فقرا

همان‌طور که جدول شماره ۲ نشان می‌دهد روش مشارکتی مدیریت شهری، محیط مساعدی را برای مشارکت شهروندان فقیر مانند جوامع سکونتگاه غیررسمی در تصمیم‌گیری در سطح شهر فراهم می‌سازد. علاوه بر این از آنجا که از تئوری‌های عدالت اجتماعی و شهروندی ریشه می‌گیرد، فرایندهای سودمند مشارکت را با همکاری حکومت برای دخالت دادن فقرا ارائه می‌دهد (راهنما و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷۶).

عوامل مؤثر بر مشارکت شهری

مشارکت شهری متأثر از عوامل گوناگونی است که باید در اتخاذ رویکرد مشارکت شهری و برنامه‌ریزی شهری مورد توجه قرار گیرد. از جمله این عوامل می‌توان به نیت و قصد مشارکت‌کنندگان، انگیزه آنان از مشارکت شهری، انتظار مشارکت‌کنندگان از نتایج و پاداش مشارکت و سرانجام امکانات و شرایط مشارکت شهری اشاره کرد. مجموعه این عوامل بر شکل گرفتن مشارکت شهری و ماهیت مشارکت شهری مؤثرند (کسالایی، ۱۳۷۹: ۵۴). به طور کلی عوامل مؤثر بر مشارکت را می‌توان در سه دسته متغیرهایی که درونی فرد هستند یا متغیرهایی که از محیط بیرونی و اجتماعی فرد ناشی می‌شود و متغیرهای فضایی- مکانی تقسیم بندی نمود:

در متغیرهای درونی، می‌توان به نظریات وبری اشاره نمود که متغیر بی‌قدرتی را عامل مهمی در مشارکت می‌دانند و بر نظام باورها، گرایش‌ها و اندیشه‌ها تأکید می‌کنند. از

دیدگاه آنان احساس بی‌قدرتی که در افراد نسبت به یک سازمان یا یک نهاد وجود دارد بر عمل و کنش آنان در برابر آن سازمان مؤثر است. در این زمینه نظریات سطح کلان مانند کارل مارکس، ماکس وبر و گنورگ زیمل از مهم‌ترین بحث‌ها است. احساس اثربخشی و انتظارات فرد در موقعیت یک کار یا رسیدن به نتیجه مطلوب نیز از این عوامل به شمار می‌آید. بدین ترتیب اگر شهروندان قضاوت‌های مثبتی از مشارکت در امور شهری داشته باشند، احتمال مشارکت آنان افزایش می‌یابد. دسته دوم متغیرها نیز عوامل اجتماعی یا بیرونی‌اند که عضویت انجمنی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، اعتماد اجتماعی و... را می‌توان از جمله این موارد دانست. دیدگاه مکانی-فضایی مشارکت نیز عوامل مکانی و بسترهای مکانی، نوع و تیپ مکان‌ها، دسترسی‌ها و فاصله مکانی سکونتگاه‌ها با یکدیگر را مورد توجه قرار می‌دهد. در این دیدگاه، اهمیت پذیرش هنجارهای محلی و ساختار محلی برای مشارکت لحاظ می‌شود و اهمیت منافع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مشارکت توأم با ملاحظات محیطی مدنظر قرار می‌گیرد. بر این اساس تفاوت و ویژگی‌های مکانی و فضایی نواحی مختلف، بر مشارکت تأثیر می‌گذرد (راهنما و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷۷).

در دیدگاه‌های مشارکت دو رویکرد عمده را می‌توان تشخیص داد: نگرش خرد و نگرش کلان. در سطح خرد بر انگیزه‌ها، گرایش‌ها و رفتارها تأکید می‌شود و در سطح کلان، زمینه‌ها، شرایط و عناصر ساختاری مورد توجه قرار می‌گیرد. از این رو مشارکت دارای دو بخش ذهنی و رفتاری است. بخش ذهنی، تمایلات و گرایش‌های فردی و بخش رفتاری، فعالیت‌های داوطلبانه جمعی را مد نظر دارد (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۲۰).

پارسونز، کنش را در برگیرنده حالات احساسی، فکری و رفتاری می‌داند که براساس الگوهای جمعی، ساختاری و جهت‌گیری می‌شود. در کنش و واکنش متقابل میان افراد در جامعه، قواعد و الگوهای حاکم است که مبنای عمل و رفتارهای جمعی از سوی گروه است. در این گروه، هم‌نوایی یا ناهم‌نوایی فرد مطرح می‌شود و عواملی چون اعتماد به دیگران، نحوه مدیریت، ارتباط با دیگران، انسجام و هم‌بستگی گروهی و... بر رفتارهای مشارکتی تأثیر می‌گذارند (شیانی و همکاران، ۱۳۹۱، ۲۲۰). در واقع پارسونز الگویی پایه‌ای از کنش اجتماعی را معرفی می‌کند که این الگو نخست از کنش‌گر

انسانی و سپس یک سلسله هدف‌ها و مقاصد تشکیل می‌شود که کنش‌گر باید از میان آنها انتخاب کند، او باید و سایل مختلفی را هم برای رسیدن به این مقاصد انتخاب کند. در اینجا هم این کنش‌گر است که انتخاب می‌کند اما این انتخاب‌ها در خلأ صورت نمی‌گیرد، محیط از شماری از عوامل مادی و اجتماعی ساخته شده است که دامنه این انتخاب‌ها را محدود می‌کند. مهم‌تر از همه این‌ها محیط، شامل هنجارها و ارزش‌ها و سایر افکار عموماً پذیرفته شده‌ای است که بر انتخاب هدف‌ها و سایل تأثیر می‌گذارد. از این رو کنش اجتماعی از یک کنش‌گر، سایل و اهداف و محیطی ساخته می‌شود که شامل موضوعات مادی، اجتماعی، هنجارها و ارزش‌ها است. (کرایب، ۱۳۸۶: ۵۵).

جورج هومنز مشارکت را در قالب نظریه مبادله، مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. دیدگاه اصلی هومنز این است که جامعه‌شناسی باید به تبیین رفتار فردی و کنش متقابل انسان بپردازد. او کمتر به مقولاتی چون آگاهی یا انواع گوناگون ساختارها و نهادهای اجتماعی بزرگ که بیشتر جامعه‌شناسان در وهله نخست آنها را مورد توجه قرار می‌دادند، پرداخت. آنچه محور توجه او قرار داشت عبارت بود از شرح الگوهای تقویت و سابقه پاداش‌ها و هزینه‌هایی که افراد را به آنچه انجام می‌دهند رهنمون می‌کنند. به اعتقاد هومنز رفتارها نتیجه محاسبه سود و زیان است. مشارکت، زمانی نهادی می‌شود که منافع حاصل از آن بر هزینه‌ها فزونی گیرد و مشارکت هنگامی از فرد سر می‌زند که در قبال آن پاداش دریافت کند. (توسلی، ۱۳۶۹: ۸۵).

هانتینگتون، نقش نخبگان سیاسی را جهت تشویق مردم به مشارکت مؤثر می‌داند و معتقد است که آگاهی گروهی و انسجام اجتماعی را نباید نادیده گرفت. در جوامعی که زندگی گروهی و فعالیت‌های جمعی گسترش زیادی ندارند، نوسازی با کاهش مشارکت همراه است. از این رو نگرش‌های نخبگان سیاسی و وضع انجمن‌ها و گروه‌های واسط، از پیش زمینه‌های مشارکت محسوب می‌شوند. (هانتینگتون، ۱۳۷۵: ۲۲۵).

هابرماس، شکل‌گیری حوزه عمومی و گفتمان خردمندانه را بستری مناسب برای شکل‌گیری افکار عمومی و مشارکت دانسته است. در اندیشه وی، شرایط دسترسی برابر به مشارکت قرار دارد که ضرورت اجتماعات گفتمانی را پیشنهاد می‌کند. زمانی که

کنش گران برای بحث و گفتگو درباره مسائل مورد علاقه خود گرد هم آمده، به نقادی می پردازند، احساس تعلق، وابستگی و وفاق جمعی به وجود می آید که مقدمه ای برای رفتارهای جمعی و مشترک است. (رضوی الهشام و موسایی، ۱۳۸۸: ۱۶۹).

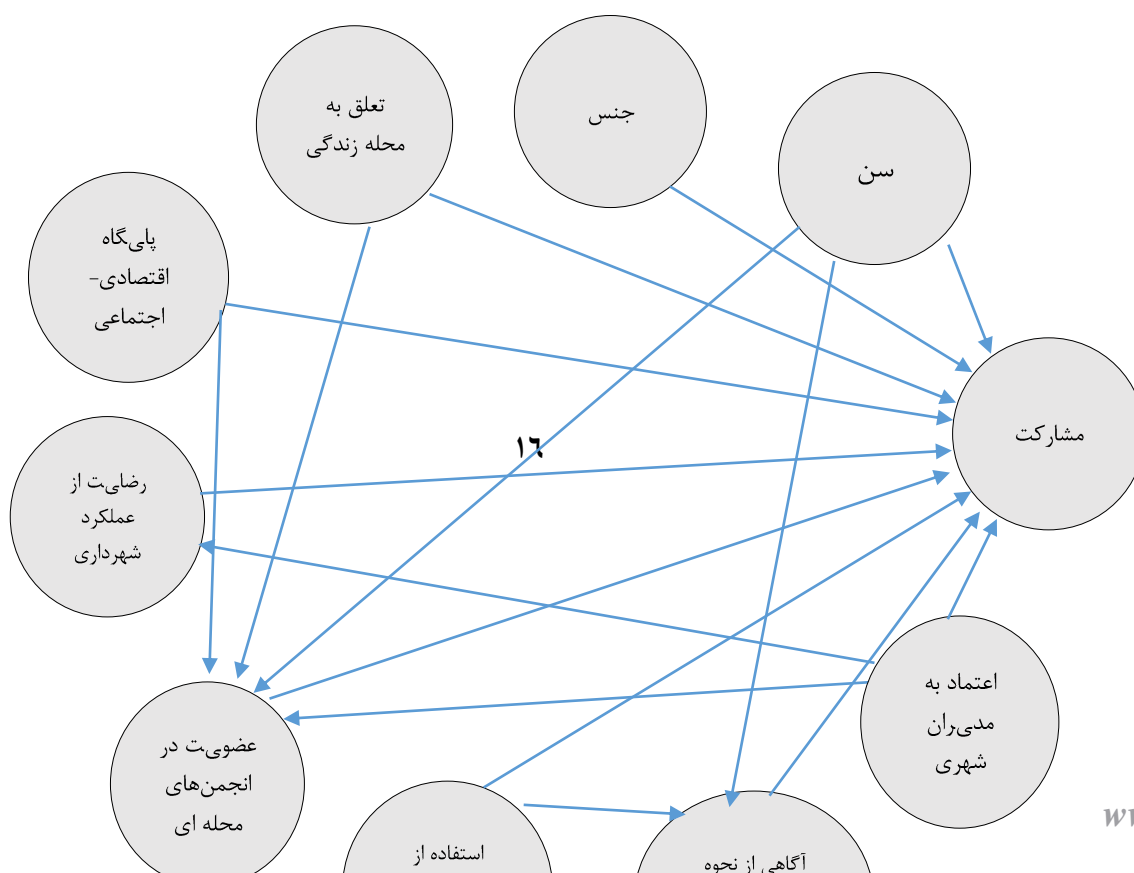
با مرور دیدگاه ها و نظریه ها، می توان دریافت که مشارکت اجتماعی پدیده ای چند بعدی است که تحقق آن نیازمند شرایط و الزامات خاص است. چارچوب نظری پژوهش مبتنی بر ترکیبی از آراء، نظریه ها و تجارب کشورهای، رفتارهای مشارکتی را متأثر از زمینه های عینی و ذهنی می داند که بخشی از آن از خصایص درونی و بخشی از عوامل بیرونی ناشی می شود.

مدل تحلیلی پژوهش

با توجه به مطالعات اکتشافی و تحقیقات و نظریات بدست آمده، جهت تبیین عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهری، متغیرها به صورت زیر خلاصه می شود تا روابط بین متغیرها به صورت تجربی آزمون گردند.

متغیرهای مستقل: متغیرهای مستقل این پژوهش شامل میزان تعلق شهروندان به محله زندگی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی، رضایت از عملکرد شهرداری و آگاهی شهروندان از نحوه تهیه و اجرای طرح های توسعه شهری، عضویت در انجمن های محله ای و اعتماد به مدیران شهری است.

متغیر وابسته: متغیر وابسته در این پژوهش مشارکت شهروندان در امور شهری است.

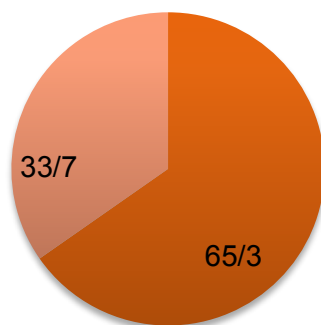


نمودار ۱: چارچوب نظری تحقیق

یافته‌های توصیفی تحقیق

وضعیت جنسی پاسخگویان

شکل شماره ۲ ترکیب جنسی پاسخگویان را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود ۲۵۰ نفر معادل ۶۵/۳ درصد را مردان و ۱۳۳ نفر معادل ۳۴/۷ درصد را زنان تشکیل می‌دهند.

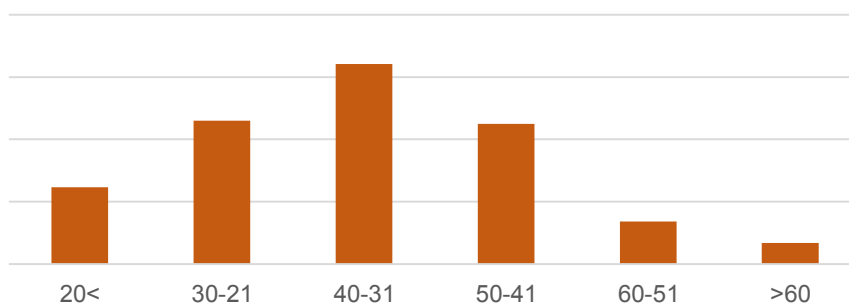


■ زن ■ مرد

نمودار ۲: توزیع پاسخگویان بر حسب جنس

بررسی وضعیت سنی پاسخگویان

وضعیت سنی پاسخگویان در نمودار شماره ۳ نشان داده شده است. هم‌چنان که مشاهده می‌شود بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۳۱-۴۰ سال و کمترین فراوانی مربوط به گروه سنی بالای ۶۰ سال است.



وضعیت تحصیلی پاسخگویان

بررسی وضعیت تحصیلی پاسخگویان نشان می‌دهد که بیشترین تعداد پاسخگویان را افراد با مدرک دیپلم (۲۷/۲ درصد) و بعد از آن به ترتیب افراد دارای مدرک زیر دیپلم (۲۶/۴ درصد)، لیسانس (۲۲/۵ درصد)، فوق لیسانس (۱۵/۷ درصد) و بالاتر از فوق لیسانس (۸/۲ درصد) تشکیل می‌دهند.

سنجش و بررسی میزان مشارکت شهروندان در امور شهری و عوامل مؤثر بر آن . . .



نمودار ۴: توزیع پاسخگویان بر حسب تحصیلات

تحلیل‌های استنباطی و آزمون فرضیه‌ها

بررسی وضعیت مشارکت شهروندان در امور شهری

برای بررسی میزان مشارکت شهروندان در امور شهری سنندج از ۱۱ گویه استفاده شده است که بر اساس طیف پنج گزینه‌ای لیکرت طراحی شده‌اند. در جدول شماره (۳) وضعیت مشارکت شهروندان نسبت به هر کدام از گویه‌ها نشان داده شده است. با توجه به نتایج بدست آمده از آزمون، میانگین هر کدام از گویه‌ها رتبه‌بندی شده‌اند. هم‌چنان که مشاهده می‌شود بالاترین میزان مشارکت مربوط به رعایت قوانین در سطح شهر و کمترین مشارکت شهروندان مربوط به تأمین مالی هزینه انجام طرح‌های شهرداری است.

جدول ۳- میانگین مشارکت شهروندان در امور شهری

گویه‌ها	میانگین *	انحراف معیار
پرداخت عوارض و بهای شهرداری	۲/۶۷۸	۰/۸۱۱

سنجش و بررسی میزان مشارکت شهروندان در امور شهری و عوامل مؤثر بر آن . . .

۰/۸۲۷	۲/۶۹۱	کممک هزینه مستقیم به شهرداری
۱/۰۴۰	۲/۵۱۱	تأمین مالی هزینه انجام طرح‌های شهرداری
۰/۹۲۰	۲/۵۲۴	نظارت بر فعالیت‌های شهرداری
۰/۹۷۰	۲/۵۲۷	انتقاد از اجرای قوانین شهری
۰/۹۸۴	۲/۶۶۰	اطلاع رسانی مسائل و مشکلات شهر
۰/۹۷۶	۲/۵۶۶	انتقاد از عملکرد مسئولین شهری
۰/۸۹۵	۲/۶۱۸	بررسی و ارزیابی میزان خدمت رسانی از طرف مدیران شهری
۰/۸۵۵	۲/۵۷۴	ارائه پیشنهاد و نظرات به مدیران شهری
۰/۱۱۵	۲/۹۳۲	توجه به قوانین در ساخت و سازها
۰/۲۰۴	۲/۹۹۷	رعایت قوانین در سطح شهر
۰/۶۱۳	۲/۶۷۵	میانگین

*بر حسب طیف ۵ سطحی لیکرت (۱=خیلی کم، ۲=کم، ۳=متوسط، ۴=زیاد، ۵=خیلی زیاد) اگر هر یک از گویه‌های مؤثر در میزان مشارکت را در تعیین سطح مشارکت یکسان بدانیم، با گرفتن میانگین از کل پاسخ‌های داده شده به ۱۱ گویه (جدول شماره ۳) و مقایسه آن با مقدار متوسط (عدد ۳) می‌توان میزان مشارکت در امور شهر سنندج را برآورد نمود. مطابق جدول شماره (۳) میانگین پاسخ‌های داده شده به ۱۱ گویه برابر ۲/۶۷۵ بدست آمده که از حد متوسط پایین‌تر است. برای آزمون معناداری اختلاف عدد بدست آمده و حد متوسط (عدد ۳) نیز از آزمون t استفاده شده است. جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که میانگین بدست آمده دارای اختلاف معناداری با حد متوسط است. در واقع می‌توان استنباط کرد که میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهری در شهر سنندج در سطح پائینی قرار دارد.

جدول ۴- میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهر

Test value=۳				
فاصله اطمینان ۹۵ درصد	اختلاف میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	t

سنجش و بررسی میزان مشارکت شهروندان در امور شهری و عوامل مؤثر بر آن . . .

مشارکت	-۱۰/۳۷۳	۳۸۲	۰/۰۰۰	-۰/۳۲۵۰۱	حد پایین	حد بالا
					-۰/۳۸۶۶	-۰/۲۶۳۴

مقایسه میانگین میزان مشارکت در مناطق سه گانه شهر سندج

میانگین میزان مشارکت شهروندان در امور شهری به تفکیک مناطق و به طور کلی در جدول شماره ۵ آورده شده است.

جدول ۵: میانگین و انحراف معیار مشارکت شهروندان در مناطق سه گانه شهر سندج

میانگین	منطقه ۱	منطقه ۲	منطقه ۳	مجموع سه منطقه
۲/۵۷	۲/۵۴	۲/۸۵	۲/۶۷	۲/۶۷
انحراف معیار	۰/۶۳	۰/۶۰	۰/۵۳	۰/۶۱

همان طور که مشاهده می شود میانگین مشارکت در منطقه ۱ و ۲ کمتر از میانگین مجموع سه منطقه است و میانگین منطقه ۳ بیشتر از مجموع میانگین سه منطقه است. هم چنین در همه مناطق، میزان مشارکت کمتر از حد متوسط (۳) است. برای تحلیل اختلاف معناداری بین مناطق در میزان مشارکت از مقایسه میانگین جامعه ها (ANOVA) استفاده شده است. همان طور که مشاهده می شود مقدار Sig کمتر از ۰/۰۵ است، یعنی فرض H_0 مبنی بر برابری میانگین مناطق رد می شود و اختلاف معنادار بین میانگین مناطق وجود دارد.

جدول ۶: تفاوت معناداری مشارکت در مناطق سه گانه شهر سندج

میانگین مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	معناداری
۳/۹۳۹	۲	۳/۹۳۹	۱۱/۰۲۴	۰/۰۰۰
۰/۳۵۷	۳۸۰	۰/۳۵۷		
	۳۸۳			
بین گروهها	۷/۷۸۷			
درون گروهها	۱۳۵/۷۷			
مجموع	۱۴۳/۶۵			

سنجش و بررسی میزان مشارکت شهروندان در امور شهری و عوامل مؤثر بر آن . . .

برای شناسایی میانگین‌های دارای اختلاف معنادار از آزمون‌های پس از تجربه (Post HOC) استفاده شده است. طبق آزمون توکی (جدول ۷) تفاوت معناداری بین منطقه ۳ با مناطق ۱ و ۲ وجود دارد ولی بین مناطق ۱ و ۲ تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول ۷: آزمون تفاوت معناداری میزان مشارکت در مناطق سه گانه شهر سنجش با استفاده از آزمون توکی

منطقه I	منطقه J	اختلاف میانگین I و J	خطای انحراف معیار	فاصله اطمینان ۹۵٪	
				حد پایین	حد بالا
۱	۲	۰/۰۲۲۶۵	۰/۰۷۸۰۰	-۰/۱۶۰۹	۰/۲۰۶۲
	۳	-۰/۲۸۲۸۹	۰/۰۷۳۴۳	-۰/۴۵۵۷	-۰/۱۱۰۱
۲	۱	-۰/۰۲۲۶۵	۰/۰۷۸۰۰	-۰/۲۰۶۲	۰/۱۶۰۹
	۳	-۰/۳۰۵۵۴	۰/۰۷۴۳۱	-۰/۴۸۰۴	-۰/۱۳۰۷
۳	۱	۰/۲۸۲۸۹	۰/۰۷۳۴۳	۰/۱۱۰۱	۰/۴۵۵۷
	۲	۰/۳۰۵۵۴	۰/۰۷۴۳۱	۰/۱۳۰۷	۰/۴۸۰۴

مقایسه میانگین مشارکت بین زنان و مردان

برای سنجش تفاوت بین زنان و مردان به لحاظ مشارکت در امور شهری از آزمون (t-test) استفاده شده است. نتایج این آزمون در جدول (۸) نشان می‌دهد که میانگین مشارکت مردان برابر ۲/۷۴ و برای زنان برابر ۲/۶۳ است. با توجه به اینکه مقدار $\text{sig}=0/121$ و از سطح آلفای مورد نظر ۰/۰۵ بیشتر است، بنابراین می‌توان گفت که تفاوت معناداری بین میزان مشارکت مردان و زنان در امور شهری در شهر سنجش وجود ندارد.

جدول ۸- آزمون t-test برای مقایسه میانگین مشارکت و جنسیت

متغیر	گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	T	سطح معناداری
جنسیت	مرد	۲/۷۴	۰/۶۷	-۱/۵۵۵	۰/۱۲۱
	زن	۲/۶۳	۰/۶۴		

آزمون همبستگی‌ها

سنجش و بررسی میزان مشارکت شهروندان در امور شهری و عوامل مؤثر بر آن . . .

جهت بررسی همبستگی و روابط معناداری بین متغیرها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. جدول شماره ۸ همبستگی بین متغیرهای مستقل پژوهش با مشارکت را نشان می‌دهد.

جدول ۹: همبستگی دو به دو متغیرها

مشارکت	اعتماد به مدیران شهری	عضویت انجمنی	استفاده از رسانه‌های جمعی	رضایت از عملکرد شهرداری	پایگاه اقتصادی- اجتماعی	تعلق به محله زندگی	آگاهی از طرح‌های شهری	سن	شاخص‌ها	
									پیرسون	معناداری
								۱	پیرسون	سن
									معناداری	
							۱	۰/۴۲	پیرسون	آگاهی از طرح‌های شهری
								۰/۰۰۲	معناداری	
						۱	۰/۲۵	۰/۱۳۹	پیرسون	تعلق به محله زندگی
								۰/۰۰۰	معناداری	
					۱	۰/۴۲	۰/۳۹	۰/۰۲۶	پیرسون	پایگاه اقتصادی- اجتماعی
								۰/۱۱	معناداری	
				۱	۰/۵۰	۰/۳۵	۰/۵۷	۰/۲۴	پیرسون	رضایت از عملکرد شهرداری
								۰/۰۰۰	معناداری	
			۱	۰/۳۸	۰/۵۰	۰/۳۳	۰/۴۵	۰/۱۲	پیرسون	استفاده از رسانه‌های جمعی
								۰/۰۰۰	معناداری	
		۱	۰/۴۷	۰/۶۱	۰/۶۲	۰/۶۸	۰/۴۹	۰/۴۵	پیرسون	عضویت انجمنی
								۰/۰۰۰	معناداری	

سنجش و بررسی میزان مشارکت شهروندان در امور شهری و عوامل مؤثر بر آن . . .

	۱	۰/۵۲	۰/۴۴	۰/۴۹	۰/۴۴	۰/۳۳	۰/۳۷	۰/۲۵	پیرسون	اعتماد به مدیران شهری
		۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	معناداری	
۱	۰/۴۲	۰/۶۱	۰/۵۴	۰/۶۶	۰/۵۲	۰/۴۰	۰/۵۴	۰/۲۱	پیرسون	مشارکت
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	معناداری	

همان‌طور که در جدول شماره ۸ مشاهده می‌شود بین متغیر آگاهی از نحوه تهیه و اجرای طرح‌های توسعه شهری و مشارکت، رابطه معناداری وجود دارد ($F=0/54$). یعنی هرچه آگاهی شهروندان از نحوه تهیه و اجرای طرح‌های توسعه شهری بیشتر شود و شفافیت در اجرای چنین طرح‌هایی از سوی مدیران شهری موجود باشد میزان مشارکت شهروندان در امور شهری بیشتر می‌شود. بین تعلق به محله زندگی و میزان مشارکت شهروندان در امور شهری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($F=0/40$). یعنی هرچه میزان تعلق به محله زندگی بیشتر شود، میزان مشارکت بیشتر می‌شود و برعکس. بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی افراد و میزان مشارکت آنها در امور شهری رابطه معناداری وجود دارد ($F=0/52$). یعنی افزایش ضریب تحصیلات، شغل، درآمد، بعد خانوار و بهبود وضع مسکن (گویه‌های مورد استفاده برای سنجش پایگاه اقتصادی- اجتماعی) شهروندان سبب بالا رفتن پایگاه اقتصادی- اجتماعی آنان شده و در نتیجه موجب بالا رفتن میزان مشارکت در امور شهری می‌شود. رابطه بین میزان رضایت از عملکرد شهرداری و میزان مشارکت در امور شهری مثبت و معنادار است ($F=0/66$). یعنی با افزایش رضایت مردم از شهرداری، میزان مشارکت آنها در امور شهری افزایش می‌یابد و برعکس. بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی توسط شهروندان و میزان مشارکت آنها در امور شهری رابطه معناداری وجود دارد ($F=0/54$). رابطه بین عضویت شهروندان در انجمن‌های محله‌ای و میزان مشارکت آنها در امور شهری رابطه‌ای مثبت و معنادار است ($F=0/61$). بین متغیر اعتماد به مدیران شهری و میزان مشارکت شهروندان رابطه معناداری وجود دارد ($F=0/42$).

تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت امور شهری

مدل تحلیل مسیر به عنوان تکنیکی برای توضیح یک سیستم ارتباطی بین متغیرها است. به این ترتیب که در تحلیل مسیر، ضریب همبستگی هر متغیر مستقل با متغیر وابسته، بر اثر مستقیم آن متغیر مستقل بر متغیر وابسته و اثرات غیرمستقیم مزبور از طریق متغیرهای مستقل دیگر روی متغیر وابسته تقسیم می‌شود (کوهی و تقوی، ۱۳۸۲: ۱۰۵). در اینجا به منظور تحلیل عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهری ابتدا جهت اعتبار سنجی مدل تحلیلی تحقیق، ضریب خطای مدل بررسی شده است. با توجه به اینکه در تحقیقات اجتماعی- اقتصادی معمولاً شناسایی تمامی عوامل تأثیرگذار بر متغیر وابسته امکان‌پذیر نیست، بنابراین متغیرهای تحلیل مسیر همواره می‌توانند تنها بخشی از واریانس متغیر وابسته را تبیین کنند؛ به همین دلیل در تحلیل مسیر آنچه که به عنوان اثر یا عوامل ناشناخته باقی می‌ماند به وسیله (e) که به کمیت خطا معروف است نشان داده می‌شود (کلانتری، ۱۳۸۲: ۲۴۲). در این پژوهش برای دستیابی به این موضوع که مدل علی ارائه شده در دیاگرام تحلیل مسیر چه میزان از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند، باید از ضریب تعیین (R^2) کمک گرفت. R^2 بدست آمده به روش Enter برای کلیه متغیرها در این پژوهش پس از محاسبه در جدول ۹ ارائه شده است. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، مقدار ضریب تعیین برابر با ۰/۶۲ است، یعنی ۰/۶۲ در صد از مجموع تغییرات متغیر وابسته توسط مدل تحلیلی فوق تعیین می‌شود.

جدول ۱۰: میزان ضریب خطای متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

R	R^2	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای میانگین
---	-------	-------------------------	--------------

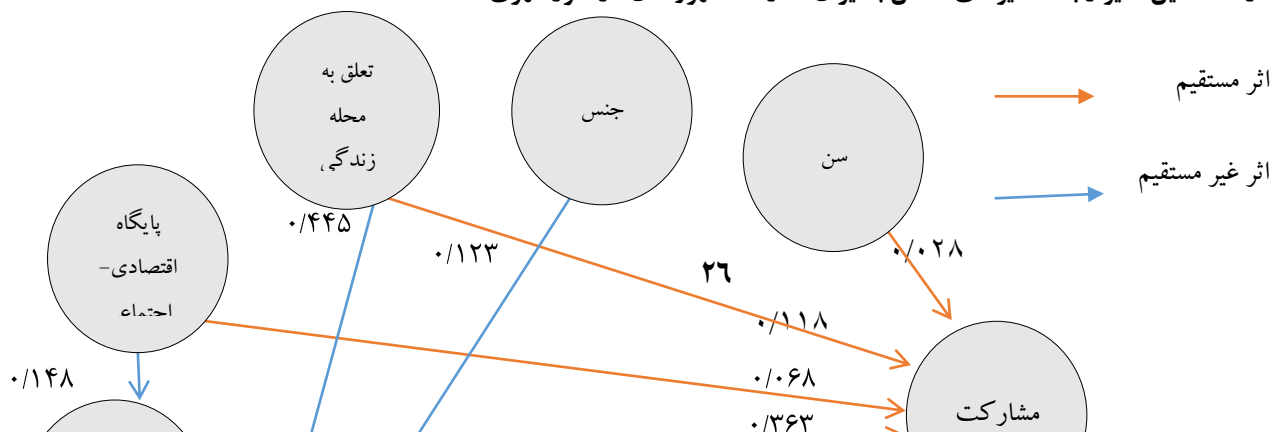
۰/۷۶	۰/۶۳	۰/۶۲	۰/۴۰
------	------	------	------

در شکل شماره ۳ که تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهری را نشان می‌دهد، پس از محاسبه آثار مستقیم و غیرمستقیم کلیه متغیرها، مجموع این آثار در جدول (۱۰) خلاصه شده است. نتایج تحلیل مسیر نشان می‌دهد که متغیرهای رضایت از عملکرد شهرداری، استفاده از رسانه‌های جمعی، آگاهی از نحوه تهیه و اجرای طرح‌های توسعه شهری، عضویت در انجمن‌های محله‌ای، تعلق به محله زندگی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی افراد، اعتماد به مدیران شهری، جنس و سن به ترتیب در رتبه‌های اول تا نهم تأثیرگذاری قرار دارند که متغیر رضایت از عملکرد شهرداری با ضریب تأثیر ۰/۴۰۱ بیشترین و سن با ضریب تأثیر ۰/۰۲۸ کمترین تأثیر را دارند.

جدول ۱۱: مجموع آثار متغیرهای مختلف بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری

رتبه	اثرات مستقیم	اثرات غیر مستقیم	مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم
۹	۰/۰۲۸	--	۰/۰۲۸
۸	--	۰/۱۲۳	۰/۱۲۳
۶	۰/۰۶۸	۰/۰۸۰	۰/۱۴۸
۱	۰/۳۶۳	۰/۰۳۸	۰/۴۰۱
۲	۰/۲۳۵	۰/۰۳۰	۰/۲۶۵
۴	۰/۱۸۳	۰/۰۳۳	۰/۲۱۶
۷	۰/۰۴۰	۰/۰۸۳	۰/۱۲۳
۳	۰/۱۳۰	۰/۱۱۷	۰/۲۴۸
۵	۰/۱۱۸	۰/۰۸۱	۰/۱۹۹

شکل شماره ۳: تحلیل مسیر رابطه متغیرهای مستقل با میزان مشارکت شهروندان در امور شهری





نتیجه‌گیری و پیشنهادها

جایگاه مشارکت مردم در برنامه‌ریزی و مدیریت امور شهری، جایگاه انکارناپذیری است به طوری که موفقیت یک برنامه تا اندازه زیادی به نقش مردم و نحوه دخالت آنها در برنامه باز می‌گردد و تعیین نیازها، خواست‌ها و اولویت‌بندی برنامه‌های شهری در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و فضایی و ... جز با مشارکت مردم میسر نیست. در حال حاضر در ایران مردم فقط از طریق شوراهای مدیریت شهری شهرها مشارکت دارند و هیچ مشارکتی نه در روند تهیه و اجرای طرح‌های شهری و نه در مدیریت شهری شهرها ندارند، در صورتی که باید به نقش مردم در مدیریت شهری توجه بیشتری شود. در این راستا در پژوهش حاضر به سنجش میزان مشارکت شهروندان شهر سنندج در امور شهری و عوامل مؤثر بر میزان مشارکت آنها پرداخته شده است. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر آن است که میزان مشارکت شهروندان شهر سنندج در امور شهری با میانگین ۲/۶۷ کمتر از حد متوسط (در بازه ۰-۵) و در سطحی پایین قرار دارد به طوری که بیشترین میزان مشارکت شهروندان مربوط به رعایت قوانین در سطح شهر با میانگین ۲/۹۹ و کمترین میزان مشارکت شهروندان مربوط به تأمین مالی هزینه انجام طرح‌های شهرداری با میانگین ۲/۵۱ است. هم‌چنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد که میزان مشارکت شهروندان در امور شهری در مناطق سه‌گانه شهر سنندج تفاوت معناداری با هم دارد به طوری که میزان مشارکت در منطقه ۳ با میانگین ۲/۸۵ بیشتر از مناطق ۱ و ۲ با میانگین مشارکت ۲/۵۷ و ۲/۵۴ است. پیرامون مقوله عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهری نیز نتایج زیر بدست آمده است: ۱- بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی بالاتری برخوردار باشند میزان مشارکت آنها بیشتر است و برعکس ۲- بین احساس تعلق به محله زندگی شهروندان و میزان مشارکت آنها در امور شهری رابطه معناداری وجود دارد ۳- بین میزان رضایت شهروندان از عملکرد شهرداری و مشارکت آنها در امور شهری رابطه معناداری وجود دارد ۴- بین میزان آگاهی شهروندان از نحوه تهیه و اجرای طرح‌های توسعه شهری با میزان مشارکت آنها در امور شهری رابطه معناداری وجود دارد ۵- بین میزان استفاده شهروندان از رسانه‌های گروهی و میزان مشارکت آنها در امور شهری رابطه معناداری وجود دارد ۶- بین میزان اعتماد شهروندان به مدیران شهری و میزان مشارکت آنها در امور شهری رابطه معناداری وجود دارد ۷- بین عضویت

- افراد در انجمن‌های محله‌ای و میزان مشارکت آنها در امور شهری رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین می‌توان گفت که توسعه پایدار شهری و حل معضلات و مشکلات شهری در گرو درگیر شدن و مشارکت فعالانه شهروندان در مدیریت و برنامه‌ریزی امور شهری است. یافته‌های حاصل از تحلیل مسیر نیز نشان می‌دهد که متغیر میزان رضایت از عملکرد شهرداری ۰/۴۰۱ و سن ۰/۰۲۸ بیشترین و کمترین تأثیرگذاری را بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری دارند.
- با توجه به یافته‌های تحقیق، پیشنهادات زیر جهت بهبود وضعیت مشارکت شهروندان در امور شهر سندج ارائه می‌گردد:
- به اجرا درآوردن برنامه‌های آموزشی بیشتر، هم در سطح مدارس و هم در دانشگاه‌ها و هم در رسانه‌های جمعی به ویژه تلویزیون و رادیو در زمینه اشکال مختلف مشارکت‌های اجتماعی و تشویق نسل جوان به کارهای جمعی و ارتقاء سطح آگاهی افراد جامعه در خصوص شیوه‌های مختلف مشارکت از طریق این گونه برنامه‌های آموزشی.
 - شفاف‌سازی سیاست‌ها، قوانین و مقررات در زمینه طرح‌های توسعه و عمرانی شهر.
 - رعایت اصول عدالت اجتماعی در روند تهیه طرح‌ها و توزیع خدمات و فعالیت‌ها در سطح مناطق شهری که می‌تواند بر رضایت‌مندی اجتماعی و احساس تعلق به منطقه مسکونی و در نهایت بر مشارکت شهروندان در امور شهری مؤثر باشد.
 - اجرای طرح‌ها و برنامه‌های فرهنگی در زمینه معرفی شهروندان نمونه، محله‌های نمونه، شورایان نمونه محلات شهری.
 - معافیت مالیاتی و کاهش عوارض شهرداری و یا تخفیف آنها برای شهروندان مشارکت‌جو و نمونه.
 - توجه به پیشنهادات و نظرهای شهروندان در اداره امور شهر به منظور تقویت احساس مالکیت بر محیط شهری در میان آنها.
 - گسترش فضای فعالیت نهادهای مدنی، عمومی و مردمی در برنامه‌ریزی مدیریت شهری.
 - تقویت محله محوری و جایگاه آن در تحکیم انسجام و همبستگی‌های اجتماعی.
 - حل مشکلات و رسیدگی به خواسته‌های شهروندان جهت تغییر نگرش آنان نسبت به شهرداری.
 - جلب اعتماد شهروندان از طرف مدیران شهری از طریق نظرخواهی از آنان و استفاده از نظرات آنها در اجرای امور شهری و برخورد یکسان با همه مراجعین در اعمال ضوابط و مقررات و پرهیز از اعطای هرگونه امتیاز خاص به اشخاص خاص.
 - احترام به آراء و نظرات، پیشنهادات و انتقادات شهروندان و کاهش احساس ناتوانی و بی‌قدرتی.

فهرست منابع

- امانی، ناصر (۱۳۸۹). راهبردهای گسترش سرمایه انسانی در شهرداری تهران با رویکردهای توسعه اقتصاد ملی، مجله اقتصاد شهر، شماره ۷، ۱۰۳-۱۰۷.
- پوراحمد، احمد (۱۳۸۸). مدیریت فضای سبز شهری منطقه ۹ شهرداری تهران، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۶۹، ۲۹-۵۰.
- تقوایی، مسعود، بابانسیب، رسول، موسوی، چمران (۱۳۸۸). تحلیلی بر سنجش عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال اول، شماره دوم، ۱۹-۳۶.
- توسلی، غلام عباس (۱۳۶۹). نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، انتشارات سمت.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، انتشارات سمت.
- حسن نژاد، مریم (۱۳۸۹). عامل‌های مؤثر بر مشارکت اعضای گروه‌های توسعه روستایی در فعالیت‌های ترویجی-حفاظتی پروژه بین‌المللی ترسیب ایران، مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی، جلد دوم، شماره سوم، ۱۰۵-۱۲۳.
- ربانی، رسول، آرناجولام، دارما، عباس زاده، محمد، قاسمی، وحید (۱۳۸۷). بررسی تأثیر رفاه اقتصادی و اجتماعی بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری (مطالعه موردی: شهر اصفهان)، دوفصلنامه علوم اجتماعی، سال چهارم، شماره دوم، ۷۳-۹۹.
- رضوی الهاشم، بهراد، موسایی، میثم (۱۳۸۸). تحلیل (SWOT) مشارکت شهروندی در طراحی الگوهای برنامه‌ریزی مدیریت شهری (مطالعه موردی: شهر تهران)، فصل‌نامه علوم اجتماعی شماره ۴۷.
- رجبی، آریتا (۱۳۹۰). شیوه‌های مشارکت شهروندی در فرایندهای توسعه شهری، فصلنامه آمایش محیط، شماره ۱۲، ۱۰۱-۱۱۶.
- رهنما، محمدرحیم؛ مهرورز، اکرم، عباس زاده، غلامرضا (۱۳۹۲). تحلیل عوامل زمینه‌ساز مدیریت مشارکتی در شهر مشهد، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال پنجم، شماره نوزدهم، ۱۶۹-۱۸۸.
- رهنما، محمدرحیم، توانگر، معصومه (۱۳۸۵). نگرش مدیران شهری در خصوص هماهنگی بین سازمان‌های اجرایی، اولین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری.
- زبیری، کرامت‌الله، نیک‌پی، وحید، حسینی، علی (۱۳۹۱). سنجش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری بر اساس الگوی حکمرانی خوب شهری (مطالعه موردی: شهر یاسوج)، فصلنامه مسکن و روستا، شماره ۱۴۱، ۶۹-۸۶.
- زاهدزاهدانی، سید سعید، زهری بیدگلی، سیدمحسن (۱۳۹۱). مدیریت شهری و تبیین مشارکت اجتماعی شهروندان در شهرداری، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال دوم، شماره پنجم، صص ۸۴-۱۱۹.
- سایت مرکز آمار ایران.
- سلطان‌پناه، هیرش (۱۳۸۸). اولویت‌بندی برنامه‌های شهرداری با استفاده از فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی (مطالعه موردی: شهرداری شهرستان سردشت)، فصلنامه صفا، شماره ۴۸، ۹۵-۱۱۴.
- شیانی، ملیحه (۱۳۸۴). شهروندی و مشارکت در نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی، فصلنامه حقوق تامین اجتماعی، انتشارات علمی فرهنگی، سال اول، شماره ۱، ۱۱-۲۷.
- شیانی، ملیحه، رضوی الهاشم، بهراد، دلپسند، کامل (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت امور شهری تهران، فصل‌نامه مطالعات شهری، سال دوم، شماره چهارم.
- صالحی امیری، سیدرضا، محمد، سپیده (۱۳۸۹). بررسی و تعیین آسیب‌های روابط شورای اسلامی شهر و شهرداری، مصالعات مدیریت شهری، سال دوم، شماره دوم، ۲۱-۴۱.
- صادقی، مجتبی، رهنما، محمدرحیم (۱۳۹۲). تبیین ساختاری-کارکردی مدیریت مشارکتی شهری (مطالعه موردی، شهر مشهد)، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۵، شماره ۱، ۱۶۹-۱۸۴.
- طوسی، محمد علی (۱۳۷۳). مشارکت (در مدیریت و مالکیت)، مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران.
- عباس زاده، رقیه (۱۳۸۷). بررسی فرایند مشارکت شهروندان در اداره شهرهای ایرانی، اولین همایش سراسری علمی و دانشجویی جغرافیا، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۹). الگوهای مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی وزارت کشور.

- غفاری، غلامرضا و مصطفی ازکیا (۱۳۸۰). بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۷، ۳-۳۲.
- قلی پور، آرین (۱۳۸۰). جامعه شناسی سازمانها، انتشارات سمت.
- کلاتری، خلیل (۱۳۸۲). پردازش و تحلیل داده‌ها در SPSS تحقیقات اجتماعی - اقتصادی، با استفاده از تهران، نشر شریف.
- کرایب، یان (۱۳۸۶). نظریه‌های اجتماعی مدرن، ترجمه عباس مخبر، چاپ چهارم، تهران: نشر آگه.
- کوهی، کمال، تقوی، نعمت‌الله (۱۳۸۲). سنجش میزان مشارکت روستاییان در پروژه‌های توسعه روستایی، نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز، شماره ۴، ۸۱-۱۱۶.
- هاشمیان، مریم؛ بهروان، حسین؛ نوغانی؛ محسن (۱۳۹۱). عوامل مؤثر بر میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهر مشهد، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد، سال دهم، ۱۷۴-۱۹۵.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۵)، سامان سیاسی در جوامع دست‌خوش دگرگونی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، نشر علم.
- یزدان پناه، علی؛ لاریجانی، فرهنگ (۱۳۸۶). بررسی اجمالی حقوقی مجموعه‌های شهری و جایگاه شهرداری‌ها، مجله شهرداری‌ها، سال ششم، شماره ۸۰، ۶.

Arnstein. S. (۱۹۶۹), "Eight Wrongs on a Ladder of Citizen Participation", Journal of the Institute of American Planners, (۳۵) Pp. ۲۱۶-۲۲۴.

Almudi, T., (۲۰۰۸). Opportunities and Problems for Participatory Management in the Peixe Lagoon National Park, Southern Brazil, Thesis for the degree of Master of Natural Resources, University of Manitoba, Canada.

Docherty, I. Goodlad, R & Paddison R. (۲۰۰۱). Civic culture community and citizen participation in contrasting neighbourhoods, Urban studies, Vol. ۳۸, No ۱۲, pp ۲۲۲۵-۲۲۵۰.

Lane, M.B., T, Corbett. (۲۰۰۵). the Tyranny of Localism: Indigenous Participation in Community-based Environment Management, Journal of Environment policy and Planning. ۷(۲):۱۴۴-۱۵۹.

Montalvo, D., (۲۰۰۸). Citizen Participation in Municipal Meeting, American Barometer Insights: No۴, Vanderbilt University (USAID).

Malone, T.F. and Yohe, G.W., (۲۰۰۲), "Knowledge Partnership for A sustainable Equitable and Stable Society, Knowledge Manag.

Marschall, M.J., (۲۰۰۷). Citizen Participation and the Neighborhood Context: A New Look at the Coproduction of local Public Goods, University of Utah, Sage press.

Ohmer, M. L (۲۰۰۷). Citizen participation in neighbourhood organizations in poor communities and relationship to neighbourhood and organizational collective efficacy, Journal of sociology and social Welfare, Vol, XXXIII, No ۱, pp ۱۷۹-۲۰۲.

Thoening j.g. Fried Berge (۱۹۷۰), Politiques Urbanes Et Strategise Corporative. Sociology Dutravail Dolitague Urbine. Nou, Seuil, Paris.

Tissot, B.N., (۲۰۰۵). Integral Marine Ecology: Community-based Fishery Management in Hawaii, *Journal of General Evolution*, NO. ۶۱, pp.۷۹-۹۶